



ای ابراهیم! تو کیستی ای همراه دردهای از ازل؟؟؟ تو کیستی ای رهرو رازهای تا ابد؟؟؟

ای سجده گاه مسجودین رب...!!! تو کیستی؟؟؟

روز عرفه بر عارفان حق، آنان که از خیمه وجود خویش بیرون می آیند و با آتش

شوق و اشتیاق وصال، به دعا و نیایش متوسل می شوند خجسته باد

عید فیت



گاهنامه فرهنگی، مذهبی حدیث نو
صاحب امتیاز: هیئت مجتهدان ولی عصر (عج)
مدیر مسئول: محمد عارف صمدی میبدی
سر دبیر: ندا رئیسی
طراح: محمدرضا دورایی
نشانی: دانشگاه ولی عصر (عج) - مسجد امیرالمومنین
۹۱/۸/۴



ویژه نامه
دلدادگ





عاشق خدا بودم! عاشق عشق بود! با عشق دل آفرید، عاشق دل شد!!! دلم دلگیر شد، من عاشقش بودم...
با عشق عشقش نشانم داد، دیدم یه دل عاشق، با اشک و عشق صدایش کرد. لبخند زد و پاسخش داد.
دادش زیبا گلی با دلی دل داده، شاد شکرش داد.

دیدم عشقش به نوزادش، دیدم آغوش گرمش، شب گفتش بیرش صحرای دور... بردش!!!
این چه بود رازش؟؟؟ عشق!!! آن چه بود به پورش؟؟؟ عشق!!! تنهای تنها گذاشتش.

به سختی؟؟؟ راحتی؟؟؟ نمی دانم. ولی پذیرفتش.
صبحگاهی، شبانگاهی، نمی دانم. ریش امر دادش بر کاری، پذیرفتش.

پاره تنش هم، راضی شد به رضای ریش.
دو دل، دل داد به دل داده با بی دل، دل داد به دل داده نمی دانم.
با قربانی دست به دست پیش به سوی قربان گاه نسل.

آمدش به صد رنگ و نیرنگ، زد سنگ به قسم خورده با یک رنگ.
ولش کرد، نکرد، تا دم دم گیر، نمی دانم؟؟؟

افسوس و صد افسوس دلدارش، ندادش راه سوی دلش، تا بینم چه آمد، سر دلش آن دم!
آنگاه که پدر خنجر بر گلوی پسر گذارد دلش شکافت، چاک چاک شد غم عشق، آب شد و از چشم ابراهیم

جاری شد. خنجر که نمی برید سر حبیب، سنگ کرد از وسط دو نیم!!!

دیدم زلالی آب چشمه ی چشمش، دیدم زیبایی لبخند معبودش، شنیدم صدای ساز ناز خدا را از آغوش
ابراهیم. آن همه عشق احساس، آن واژه های ناز، شکرانه های شاد، چه زیبا بود عشق بازی اش با عشقش،

چه زیبا سربلندی اش در عشق، شد سجده گاهم، دل دل ساز، محرم ساز...

عشقم، خنده آمد بر لبش، از سربلندی عشقش در حکم عشق...!!!